



## باید با نقد پنبه کتاب‌سازی را زد

اکبر نحوی\*



تعدادی از افراد کتاب‌ساز، دانشگاهی هستند و قوانینی هم اکنون گذاشته‌اند که عده‌ای به این کارها وادار می‌شوند. من مقالات بسیاری دیده‌ام که از مجلات مختلف برای داوری فرستاده‌اند و متوجه شده‌ام که بخشی از این مقالات از آثار دکتر زرین کوب و دیگران است.

فرمودید مرکز یا مؤسسه‌ای خاص برای جلوگیری از آثار تقلیدی و پخته‌خواری باید تشکیل شود؛ اما از نگاه شما این مرکز باید دارای چه ملزوماتی باشد که هزینه‌ها در آن بیهوده صرف نشود؟

البته این مرکز مسئولان و کارمندی نیاز دارد و بودجه‌ای می‌طلبد و به گمان من این مرکز باید زیرمجموعه یک مؤسسه فرهنگی باشد؛ مانند وزارت ارشاد یا بهتر از همه فرهنگستان زبان و ادب فارسی. بودجه این مرکز را دولت باید تأمین بکند؛ ولی افراد دلسوز و اهل قلم و کسانی که متوجه این آشفته‌بازار هستند، متولی این مرکز باشند. چنین مؤسسه‌ای، نمی‌تواند خصوصی باشد؛ چون در واقع این کار هزینه‌ای می‌طلبد و بعید می‌دانم در ایران مؤسسات خصوصی قادر به تأمین آن باشد. در حقیقت شما معتقدید که این مؤسسه باید به طور جدی به موضوع نقد کتاب پردازد.

بله؛ منظور از تشکیل مؤسسه، نقد کتاب است. یعنی پس از آن که اثری در این مؤسسه، مهر تأیید خورد، وزارت ارشاد برود و مراحل تشریفات را طی کند؛ یعنی بررسی قبل از چاپ صورت بگیرد.

کتاب‌سازی‌ها به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد؛ ولی پخته‌خواری در تصحیح آثار کلاسیک و متون کهن یکی از شیوه‌های رایج آن است که کمتر کسی به آن توجه می‌کند.

برای حل این مشکل چه باید کرد؟

در سال‌های اخیر، معضل کتاب‌سازی و پخته‌خواری رواج یافته است که با گذشت زمان روند روبه‌رشدی دارد و متأسفانه نهادهای مسئول هم برای جلوگیری از آن فعالیت شایسته‌ای انجام نمی‌دهند. به عقیده شما علت اصلی این معضل چیست و برای جلوگیری از آن چه باید کرد؟

در گام اول باید مرکز یا مؤسسه‌ای ایجاد شود تا مؤلفان کارهای تکراری نکنند و اطلاع‌رسانی شود که افراد قبل از تألیف یا تصحیح یا ترجمه از نتیجه کارشان مطلع شوند. این مرکز باید اخباری را در اختیار افراد قرار دهد که چه کارهایی صورت گرفته، چون خیلی از مؤسسات که این پخته‌خواری‌ها را چاپ می‌کنند، خبر ندارند که پیش از این، آن آثار به چاپ رسیده‌اند و این زمینه را برای افراد متقلب مساعد می‌کند. برای مثال، در زمینه متون قدیم باید مؤسسات خاصی اقدام به چاپ این متون بکنند؛ یعنی این گونه نباشد که هر مؤسسه‌ای اقدام به تصحیح و چاپ متون بکند یا برای چاپ متون یا آثار ادبی، مؤسسات مشخصی وجود داشته باشد و طبعاً وقتی کار به اینها ارجاع داده می‌شود، می‌توانند سابقه کار را بررسی کنند و با کارهایی که قبلاً صورت گرفته، مقایسه کنند و ببینند شخص از کارهای پیشینیان استفاده کرده یا خیر و اگر استفاده می‌کند، پخته‌خواری کرده یا حاصل زحمات خودش است. اگر احیاناً این مؤسسات از این موضوعات به طریقی ساده کسب اطلاع کنند و متوجه شوند که شخص پخته‌خواری کرده و کار فرد دیگری را به نام خود چاپ کرده، طبیعتاً از چاپ آن جلوگیری می‌شود. یعنی وقتی این افراد بدانند مؤسساتی هست که کارهایشان را رصد و بر آنها نظارت می‌کند، بساط این قبیل کارها برچیده خواهد شد.

اما زمانی که مؤلفان دست به تألیف می‌زنند، مقاله یا پایان‌نامه می‌نویسند، آیا می‌دانند که دارند کتاب‌سازی می‌کنند؟

\* عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز



البته نکته‌ای اینجا وجود دارد؛ شخصی متنی را تصحیح می‌کند. بعد از مدتی شخص دیگری آن را مجدداً تصحیح می‌کند، اگر واقعاً شخص دوم کار بهتری ارائه دهد، اشکالی ندارد؛ مثلاً روی آثار سنایی مرحوم مدرس رضوی کار کرده و با توجه به امکاناتی که او در آن زمان داشته، کار خوبی ارائه داده، ولی ما امروز امکانات بیشتری در اختیار داریم، بنابراین افراد می‌توانند کارهای بهتری انجام دهند و نمی‌شود جلوی این کارها را گرفت. یعنی این کارها باید باشد، همچنان که شاهنامه بارها به چاپ رسیده و چاپ خالقی مطلق بهترین چاپ است و ممکن است در آینده نسخه‌های بهتری از شاهنامه به دست بیاید و بتوان کاری بهتر از کار خالقی ارائه داد؛ نفس این که در بعضی کارها تکرار شود، اشکالی ندارد اما در این کارها باید قدری به جلو گام برداشت. این مؤسسه باید در این زمینه اظهار نظر کند که این تصحیح قدمی به جلو است یا یک کار سرسری و پس و پیش کردن چند جمله. این مؤسسه می‌تواند شعب مختلف داشته باشد که یکی از آن شعبه‌ها مخصوص تصحیح متون است. باید افراد خبره حضور داشته باشند و این کارها را کنترل کنند.

**گذشته از حوزه تألیف، عده‌ای می‌گویند کیفیت نشر کشور هم در با نزول مواجه بوده و ناشران بعضاً کتاب‌ها را بدون مجوز، به صورت افست چاپ می‌کنند. نظر شما چیست؟**

چون تعداد ناشران زیاد است، مراقبت خیلی دشوار است. وقتی ناشری روی کتاب سرمایه‌گذاری می‌کند، در وهله اول به دنبال این است که سود کار به او باز گردد. بنابراین، نشر از دیرباز کمی جنبه تجاری داشته است؛ ولی کنترل این امر هم می‌تواند در همان مؤسسه مذکور باشد که اگر مرکزی کتابی را به صورت افست چاپ می‌کند، آیا مراحل قانونی افست و اخذ اجازه از مؤلف یا وارث طی شده است یا نه. اگر مراحل طی شده است، فی‌نفسه اشکالی ندارد ولی اگر نشده، به مؤلف نباید اجازه داد کتاب را چاپ کند.

**یکی از قوانین نشر در کشور ما این است که ناشران، کتاب‌هایی را که سی سال از وفات مؤلف آن گذشته باشد، می‌توانند به چاپ برسانند. برای اینکه این آثار مشمول کتاب‌سازی نشود، چه پیشنهادی دارید؟**

قوانین را باید تغییر داد. یکی از دلایل آن، این است که در کشور ما مجلات نقد و بررسی کم یا ضعیف است و اگر کتاب‌ها نقد شود و پنبه کتاب‌سازی‌ها زده شود و مؤلفان و ناشران ببینند

جایی هست که کتاب‌ها را بررسی کند، به سمت این کارها نمی‌روند. در حقیقت مراکز باید گسترش پیدا کند و جایی باشد که آثار دیگران را نقد کنند و اطلاع‌رسانی شود.

**یکی از نمونه‌های کتاب‌سازی و پخته‌خواری مقالاتی است که به صورت کتاب به چاپ می‌رسد. به عقیده شما چه راه‌هایی برای جلوگیری از این معضل می‌توان در نظر گرفت؟**

این کار پسندیده نیست. اگر نویسنده مقاله علاقه داشت که آثارش را به صورت کتاب جمع کند، مشکلی نیست، ولی باید این موضوع با اجازه شخص باشد؛ برای مثال مرحوم استاد افشار فرصت نمی‌کردند مقالات خود را در یک مجموعه گردآوری کنند. حال اگر شخص دیگری با اجازه و طبق قانون متولی این امر شود این موضوع اشکالی ندارد، ولی گاهی دیده می‌شود که افرادی هستند که آثار افراد مختلف را که مثلاً درباره سعدی یا حافظ مقالاتی نوشته‌اند، بدون این که اجازه‌ای از صاحبان مقالات بگیرند، در یک مجموعه چاپ می‌کنند که کتاب‌سازی و کتاب‌دزدی است که باز هم به نظر من این مؤسسه وقتی می‌خواهد اجازه چاپ دهد، باید این آثار را کنترل کند که آیا مجوز نشر از صاحب مقاله گرفته شده یا نه و این گونه نباشد که مقالات را شخص دیگری بنویسد و فرد دیگری به دنبال کسب منفعت از آنها باشد.

**برای جلوگیری از معضل پایان‌نامه‌سازی در نظام آموزش عالی، چه باید کرد؟**

درباره مقالات، مؤسسه‌ای در تهران مثل سایت ایران داک (irandoc) داریم که متأسفانه بروز نمی‌شود و تنها سایتی است که می‌شود کنترل کرد که روی آن موضوع پایان‌نامه کار شده یا نشده و در چنین مواردی، کار خیلی دشوار می‌شود و باید سایت روزآمدی باشد که اطلاعات را در اختیار ما قرار دهد و متأسفانه با بروز نبودن این سایت، کار برای دانشجویان و استادان خیلی دشوار است و بسختی می‌توان جلوی موضوعات تکراری را گرفت؛ چون نمی‌توانیم متوجه شویم که مثلاً شخص دیگری بر روی موضوع پایان‌نامه کار کرده است. مشکل دیگری که هست، کثرت دانشجویست. زمانی در مقطع ارشد و دکتری پنج دانشجو داشتیم ولی هم اکنون تعداد به ۳۰ دانشجو رسیده است و ما هر موضوعی که به دانشجو می‌دهیم زمانی که به سایت ایران داک «irandoc» مراجعه می‌شود، می‌بینیم پیش از این، چهار پایان‌نامه با این موضوع تدوین شده است. ■

